



قسمت دوم

آثار و عوارض



ریشه یابی گروه‌ها

اینک آثار و عوارض مترتب بر بیداری جریانگرانی در سازمانهای اجتماعی با شرح مختصری ذکر میگردد:

۱/۱ گروه گرانی و عزل و نصبها

چنانچه افراد گروه گرا و جریانگرا باشند در هر پایگاهی که قرار بگیرند سعی خواهند نمود افراد همکار خود را از گروه وابسته به خود برگزینند و با توجه به برخورد و اختلاف گروهها و جریانها بایکدیگر، در صورت حاکمیت یک جریان بردستگاه پاسا زمان چند حالت ممکن است انجام پذیرد. یانست به عزل افراد وابسته به جریان مخالف اقدام می گردد و یا افراد جریان دیگر بمحض حاکمیت گروه مقابل خود به صورت جمعی و اعتصاب گونه و یا فردی استعفاء می دهند و یا اینکه هر دو حالت باهمدیگر صورت می پذیرد یعنی جریان حاکم مشتاق دور کردن فرد مخالف خود از حیطه سازمان است و او را از خود و محرم خود نسبی داند و فرد موصوف نیز در حالت اتر و او «کج دار و مرینز» و بدون اینکه از توان او استفاده مطلوب بعمل آید در حالت تحمل فشار روحی به کار خود ادامه داده و نهایتاً

مجبور به استعفا می گردد و یا اینکه می ماند و بکارش ادامه می دهد. البته احتمال اینکه رنگ سازشکار بودن - از طرف جناحی که مربوط به آن می باشد - بخورد، نیز وجود دارد. در هر یک از حالات فوق ممکن است از طرف جناح حاکم بردستگاه فریاد انزوای نیروها سر داده شود و متقابلاً جناح حاکم به منظور تسریه خود افرادی از جناح مقابل را و وجه المصلحه قرارداده و در مسئولیتها نگه دارد. گاهی اوقات ممکن است فرد جریان گرا در رأس یک دستگاه کشوری قرار گیرد که در اینحالت دافعه تغییرات مدیریت و عزل و نصبها بسیار وسیع و خطرناک خواهد بود بطوریکه از معاون دستگاه تا واحدهای استانی و شهرستانی و بخشها و شاخههای مربوط به هر واحد نیز بصورت یک یکنواری سری در بر خواهد گرفت. طبیعی است که در چنین وضعی، ریشه امور دستگاه و واحدهای تابعه آن گسسته خواهد شد و چنانچه نوسان تغییرات مسئولین صدر دستگاه در ارتباط با جریانات گروهی زیاد باشد، به همان نسبت تغییر در تمام پیکره دستگاه از بالا تا پایین انجام پذیرفته و بقول معروف «سنگ روی سنگ بند نخواهد آمد» و عدم اعتماد از باقی ماندن مدیریتها قوت خواهد گرفت و هیچ مدیریتی به فکر آینده نگری و برنامه ریزی

و بنیاد گذاری برای دستگاه و واحد خود نخواهد بود و اصولاً مشغله فکری مربوط به مسائل گروه گرانی از طرفی و عدم اعتماد از باقی ماندن در مسئولیت اداره دستگاه از طرفی دیگر او را به روز مژه کار کردن و روز گذراندن و پیش بینی آینده نکردن و خواهد داشت و کارهای اداری و ابواب جمعی دستگاه نیز، تنها حاکمیت مدیریت را در انجام وظیفه نخواهند پذیرفت و با توجه کاری از خود رفع مسئولیت خواهند کرد بلکه بدلیل عدم اطمینان از ثبات مدیریت در دستگاه، اقدام به طراحی و کارهای بنیادی و برنامه ریزی در ارتباط با انجام وظیفه دستگاه نخواهند کرد. حال تأثیر این مسائل بر امور مردم و امور انقلاب این خواهد بود که در حقیقت به مسائل و مشکلات روز افزون جامعه که مربوط به آن دستگاه می گردد توجهی نشده و هر روز پیچیده تر و عمیقتر و غیر قابل حل تر میگردد و بقول معروف مشکلات بر رویهم انباشته گردند. گاهی اوقات ممکن است مسئولی از یک دستگاه به دستگاه دیگری منتقل گردد در اینحالت باز هم کلیه افراد دستگاه قبلی را با خود به دستگاه جدید می کشد و در حقیقت دستگاه قبلی را نیز به فلج و توقف در امور و گسستن رشته کارها می اندازد و گاهی ممکن است این گروه



محمدرضا حافظ نیا

گرائیها نه تنها باعث انتقال و جابجائی افراد وابسته به خود در دستگاه ها گردد بلکه امکان جابجائی دستگاهها و یا انتزاع و الحاق آنها از همديگر را بوجود می آورد!

بهر حال این زوایه انقلاب نامطلوب در نظام مدیریت یک دستگاه که از روحیه گروه گرائی ناشی می شود، آثار سونی در روند امور عمومی مربوط به دستگاه از خود بجای می گذارد، لازم بتوضیح است که چنانچه نمایندگان محترم مجلس بجای برخورد با این مسائل و انتخاب وزرائی قوی برای وزارتخانه ها که ورای خط بازاریها می اندیشند و عمل می کنند به منظور خاتمه دادن به این مسائل در دستگاههای اجرائی، خدای نا کرد بخودشان در جریانات یا خطها قرار داشته و بخاطر خط بازاریها بی جهت وزیري را تأیید یارد نمایند می توانند نقش مهمی در دامن زدن یا خاموش کردن آتش خط بازي در دستگاههای اجرائی داشته باشند لذا می بایست این امر به شدت مورد توجه آنان قرار گیرد.

۱/۲ - گروه گرائی و انزواي نیروهای متدین و انقلابی:

زمانیکه مدیریت و حاکمیت در یک دستگاه یا سازمان خطی و جریانی و طیفی و گروه گرا باشد، بطور طبیعی نیروهای

طرفدار گروه خود را رشد داده و مسئولیتها را به آنها واگذار خواهد کرد و تدریجاً نیروهای انقلابی در جریان مقابل از مجموعه رده های مدیریت دستگاه و مسئولیتهای حساس زدوده خواهند شد و باز میسه اخراج مؤذبانه و غیر مؤذبانه آنها فراهم خواهد آمد و با بصورت منزوی در مسئولیتهای پیش پا افتاده بکار گرفته خواهند شد. لذا بخشی از مجموعه نیروهای انقلاب اسلامی که از کارائی برخوردارند بلا استفاده باقی مانده و هم دستگاه و هم مردم و هم انقلاب از خدمات و انجام وظیفه آنها محروم مانده و هم نخواهند توانست و میدان نخواهند داشت تا معتمد و وظیفه ای که در قبال این انقلاب مقدس بعهده دارند ادا نمایند.

و در هر حال انزواي نیروها که معلول پدیده خط بازي است آثار و عوارض منفی زیادی بجای می گذارد که از همه مهمتر فراهم کردن زمینه دور شدن تدریجی نیروهای اصیل انقلاب اسلامی از صحنه انقلاب است و بررسی این مسئله، جداگانه جای بحث دارد؛ که دور شدن نیروها چه عوارض خطرناک - که گاهی، به کودتای خزنده تعبیر می شود - به همراه خواهد داشت. زیرا در توالی و تناوب تغییر مدیریتها در رابطه با خط بازيها، بهر حال مقداری از نیروهای اصیل از گردونه خارج

شده و با گذشت زمان و با ورود نیروهای جدید در مسئولیتها، کم کم به دست فراموشی سپرده خواهند شد.

۱/۳ - گروه گرائی و رشد نیروهای غیر انقلابی و فرصت طلب:

در صحنه برخورد جریانات و گروهها با همدیگر که میدان اصطکاک آنها با هم به حساب می آید بطور طبیعی نیروهای خنثی و غیر انقلابی و کادریهای قدیمی میدان رشد پیدا می کنند زیرا وضعیت دستگاهها بگونه ای نیست که آنقدر نیروی متدین و انقلابی فراوان باشد که آنها در ارتباط با یک جریان بتوان نساها را در کلیه سطوح مرتفع نمود و چون نیروی یک جریان کم و در اثر اختلاف و تفرقه با سایر جریانات از وجود آنها کمتر استفاده می شود، طبعاً از نیروهای قدیمی و خنثی استفاده می شود و گاهی مشاهده می شود که حتی مسئولیتها حساس به آنها واگذار می گردد!

و اما افراد فرصت طلب با گرفتن ظاهری اسلامی و حق به جانب و گاهی بالذاعای انقلابی بودن! خود را به جریان حاکم نزدیک کرده و گاهی هم پستهای کلیدی را در دست می گیرند و با خود شیرینی کردن، به حاکمیت دستگاه نزدیک شده



آثار و عوارض گروه گرایی

و بعضاً جزو مقربان می گردند و بشدریج باجای باز کردن و مطرح شدن، مسئولیتهای حساس را با گذشت زمان در دست گرفته و بقول حضرت امام مدظلّه العالی «خطر غلطاندن انقلاب اسلامی را به شرق و یا غرب باعث می گردند» چرا که آنها ماهیت واقعیّت انقلاب اسلامی و ارزشهای آنرا درک نکرده و خدای ناکرده به آن اعتقادی هم ندارند و طبیعی است، کسی که اینگونه نباشد و نقش هدایت و رهبری را در دستگاههای نظام جمهوری اسلامی بعهده بگیرد در دراز مدت چه بر سر انقلاب خواهد آورد.

در اینجا ذکر این نکات ضروری است:

اولاً - اینگونه افراد فرصت طلب و زرنگ برای هیچ کدام از جریانات حاکم و یا منزوی دل نمی سوزند، چرا که برای اصل انقلاب دل نمی سوزند و بدگویی از جریان منزوی و تعریف و تمجید و همکاری با جریان حاکم بردستگاه صرفاً بخاطر خود مطرح کردن و میدان رشد یافتنی است و لا غیر زیرا در اساس با هر دو مخالفند.

ثانیاً - بدلیل عقده ای که از نیروهای انقلاب و عملکرد آنها در رابطه با خود از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در دل دارند، وقتی که قدرت یافتند نیش خود را بر نیروهای انقلاب وارد می کنند یا اینکه باتکیه بر جریان حاکم و با مستمسک

قراردادن مقررات و قوانین به اذیت و آزار رساندن به نیروهای انقلابی جریان منزوی شده می پردازند و یا اینکه با حوصله صبر می کنند تا در آینده و با بدست آوردن قدرت کامل بردستگاه به صورت فردی یا گروهی ضربه خود را نه تنها بر پیکر انقلاب که بر نیروهای اصیل آن نیز وارد سازند و حتی آنها را به محاکمه و زندان بکشانند!

اینکه گفته شد به صورت گروهی به این خاطر که بردستگاههای مختلف اینگونه افراد فرصت طلب قدیمی، به صورت جمعی و حساب شده و در ارتباط و هوادار با یکدیگر عمل می کنند. لازم به توضیح است که موارد مذکور در مورد کلیه کارکنان قدیمی دستگاهها مصداق پیدا نمی کند و صرفاً در خصوص معدود افراد فرصت طلب زخم خورده بیان گردید، بخشی بعضی از زخم خورده ها که خوش خدمتی رژیم گذشته را بدلیل نایب گاهی کرده اند بعد از پیروزی انقلاب، متوجه شده و امروزه بحمدالله صادقانه و دلسوزانه و همپای نیروهای انقلاب به نظام اسلامی خدمت می کنند که حساب اینگونه افراد از حساب نمونه هایی که ذکر شد کاملاً جداست.

۱/۴ - گروه گرایی و عیب جوئی از یکدیگر:

در ارتباط با این موضوع باید گفت که:

وقتی تصدی و مدیریت و حاکمیت یک دستگاه بر عهده یک جریان قرار گرفت تنها به عزل و نصب افراد مخالف یا موافق خاتمه پیدانی کند زیرا اختلافات با یکدیگر باعث می شود که از عملکرد هم نیز عیب جویی نمایند و در فکر مدرک سازی و پرونده سازی و بزرگ کردن عیوب و عملکردهای سوء برآیند. جریان حاکم در تعقیب فعالیت خود در زمینه کسار زدن افراد مخالف، عمل کرد دوران حاکمیت آنها را زیر ذره بین و تحقیق قرار داده و مقدراری از وقت و توان دستگاه را بجای پرداختن به مسائل اساسی دستگاه و مسائل جامعه متأسفانه صرف ردیابی و خلاف کاریها و عیوب آنها می کنند.

اگر چه این امر ممکن است بظاهر خوب بنظر رسد که بر عملکردهای بد سر پوش گذاشته نشود و همه مراقب باشند که در دوران تصدی مسئولیت بردستگاه درست عمل کنند ولی برای انجام این امر باید افراد بیطرف تحقیق نمایند تا خوب و بد را در کنار هم گذاشته و بخصوص با در نظر گرفتن شرایط متنوع ایجاد شده برای دستگاهها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به فضاوت بنشینند نه اینکه با غرض عیب جویی برای تخریب و خورد کردن جریان مخالف خود فقط بدبهای آنها را ببینند و بر خوبیها سر پوش بگذارند و در این رهگذر ضمن ضایع کردن بخشی از نیروهای انقلاب،



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کمیسیون تخصصی
بررسی و نظارت بر
اجرای سیاست‌های
اقتصادی و اجتماعی
و فرهنگی

کمیسیون تخصصی
بررسی و نظارت بر
اجرای سیاست‌های
اقتصادی و اجتماعی
و فرهنگی

خواهد بود و نه بیشتر چون باتوجه به روحیه گروه گرایی که خودشان دارند و با گروه و جریان مقابل خود هم سوتی ندارند، انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر در خود نمی بینند اما واقع امر این است که همیشه به اینگونه عمل نمی گردد بلکه غالباً در چنین شرایطی گروه مخالف حاکمیت در دستگاه نقش فعالی در ارتباط با گذر کردن اجرای برنامه‌ها و هدفهای مدیریت جدید بازی می کند و دنبال نقطه ضعف‌ها و بزرگ کردن آن می گردد، پرونده سازی می کنند، مدارک جمع آوری می نماید، به ذکر مسائل مدیریت این طرف و آن طرف می پردازد، سد ایجاد می کند، اقدامات او را به تمسخر و ریشخند می گیرد، از موفقیت مدیریت در برنامه‌ها و هدفهای سازمان و دستگاه نگران و اذیت‌ناوایی و شکست او خوشحال است، در انتظار سقوط او به سر می برد، و در این جهت تلاش و کوشش می نماید و بطور کلی جنبه مبارزه منفی خود را باز کرده و روز بروز گسترش می دهد و صحنه‌های برخورد و کشمکش در چنین شرایطی امری بدیهی و روشن است و متقابلاً مدیریت نیز جهت تنبیه مخالفین و باصطلاح جو سازان به حربه‌های قانونی و انتقالی و جابجائی و غیره متوسل می گردد. و معلوم است که در مجموع این صحنه چه آثار و تبعاتی از خود بجای می گذارد.

و مسئولین سیاسی یا قضائی هم در داخل جریانات قرار داشته باشند، بیشتر مشهود و ملموس خواهد بود به همین خاطر همانطوریکه قبلاً ذکر گردید باید سعی شود که مسئولین سیاسی و قضائی از گروه گراییها و دسته بندیهای منطقه و شهر خود بدور بوده و خود عامل و باعث تشدید تفرقه نشوند. در ضمن وقتی فرد و نیروئی از انقلاب بی جهت و با پرونده سازی زوری به محاکمه کشیده شد و یا برای یک لحظه به زندان رفت، دیگر نمی توان آبروی از دست رفته او را بازیافت و زمینه رشد شایعات و تبلیغ مخالفین انقلاب و تمسخر و ریشخند کادرهای خنثی و کنترنشته بوجود خواهد آمد و در چنین حالتی بکارگیری نیرویی که اینگونه باوی رفتار شده و در اذهان عمومی خراب شده است، مشکل خواهد بود.

۱/۵ - گروه گرایی و مبارزه منفی:

معمولاً افراد جریان مقابل گروه حاکم بر سازمان یا دستگاه که در بدنه آن و در مسئولیتهای مختلف و عمدتاً بی اهمیت و پیش پا افتاده قرار دارند باتوجه به اینکه حاکمیت را مطابق میل و سلیقه و گرایشات خود نمی بینند از همکاری قلبی و دلسوزانه با مدیریت خودداری می کنند و اگر هم خیلی خوب کار کنند در حد انجام وظیفه قانونی

میدان تمسخر برای نیروهای خنثی و فرصت شده برای دستگاه‌ها بعد از پیروزی انقلاب وقتی ارزیابی عملکردها بصورت خطی و در ارتباط با جریان حاکم و یا بدون ارتباط با جریان حاکم و صرفاً با جنبه تحقیق و بررسی انجام پذیرد و افراد محقق و ارزیاب نیز خطی باشند مشخصاً بر عیوب افراد وارد در جریان و یا خط مربوط به خود سرپوش گذاشته و آنها را نادیده خواهند گرفت ولی در عوض، عیوب طرف مقابل خود را با ذره بینی و موشکافی و ایراد تراشی، ردیابی و تعقیب خواهند نمود و علاوه بر آن ممکن است با هدف زیر سؤال بردن و تخریب شخصیت جناح مقابل، بیش از حد واقعی به بزرگ کردن و طرح گسترده عیوب بپردازند و گاهی وقتها ممکن است این مسائل آنچنان عمیق گردد که برای موارد بسیار جزئی و پیش پا افتاده که حتی در قانون برای آن مجازاتی بیش بینی نشده، با انواع و اقسام رنگ و آب دادن به موضوع، بزور پرونده‌ای تشکیل داده تا افراد رابه پای میز محاکمه و زندان ولو برای یک لحظه بکشند که شاید عقده‌های نفسانی جریان حاکم و نیز خرد شدن حیثیت افراد حاصل آید.

و این گونه عملکردها تنها در یک دستگاه وجود ندارد و ممکن است در محیطهای کوچک و در شهرستانها نیز وجود داشته باشد و بخصوص زمانی که اختلاف شدید بوده